



بردند. نوشته سید رضا رادجو، «سین از قفس»

بریدند» نوشته سید رضا رادجو، «سین از قفس» اثر فائزه مروقی و «انقلاب یکنفره» نوشته فاطمه جعفری.

پس از ۱۰ داستان و در پایان کتاب، گزارش دبیرخانه جایزه ارغوان درج شده که خردادماه اسمال در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

در قسمتی از داستان «آخرهای سال من» از این کتاب می‌خوانیم:

دهانش بوی بیمارستان می‌دهد. پشت سرش زنی را می‌بینم که موهای طلائی‌اش ریخته روی شانه‌اش و از لای در اتاق نگاه می‌کند. احتمالاً می‌خواهد سر در پیازود من کی هستم. فکر می‌کنم من واقعاً کی هستم؟ و دوباره به آن زخم سیاه بدنی روی کف دستم خیره می‌شوم. دستم را کشید و پرم کرد بیرون. توی هنرفزوی داد می‌زند: هی هی سیرا مانتشرا... پس‌ریچاهی که کیسه ماهی قرمزش پاره شده به سرعت از کنارم می‌دود و دور می‌شود. می‌پیچم توی کوچه دیگری. یک‌دفعه نور قرمزش می‌افتد روی دیوار و می‌شنوم که پشت سرم آژیر می‌کشد.

این کتاب با ۱۱۲ صفحه، شمارگان ۸۰۰ نسخه و قیمت ۱۸ هزار و ۵۰۰ تومان منتشر شده است.

## یک جبرعه شعر

## دوباره

بنفشه خرم(ستاره)
کتاب در دست
محو خیال
روی نیمکت چوبی حیاط خانه
به تو قف میکردم
به چشمانت

به موهای در هم تنیده شده ات که
بر شده از شکوفه‌های ریز حیاط خانه مان
میدانستم

هر روز که من نبودم
در نبودم زیر درخت گیلاسی
که در بچگی هایم باهم کاشتیم
می آمدی و می‌ایستادی ساعتی
و
وقتی میرفتی
روی موهایت پر میشد از
شکوفه‌های سپید گیلاس
میدانی؟

اینها را کلاغ خیرچین مهربان برایم گفته بود...

چقدر عجیب
لایه لای کتابم
شکوفه سپید زیبایی
جا خوش کرده
خیال نیست بودن تو
میدانم

که روزی دوباره خواهی آمد

و
من دیگر منتظرت نخواهم گذاشت...

سال‌ها از غم جان‌کنندن فرهاد گذشت/ عشق و جان‌باری وی ورد زبان است هنوز
عشق پاک‌ی که همه در پی آن می‌گردیم/ از سر و پیکر این کوه عیان است هنوز
بیستون از قدم عشق جوان است هنوز/ سند معتبر عشق جهان است هنوز
جسم فرهاد اگر رفت ز دنیا طالع/ روح عشقش بنگر در همدان است هنوز

✽ جایگاه موسیقی در زندگی هنری طالع همدانی

طالع همدانی قریحه موسیقی داشت. مقدمات موسیقی را در خدمت استاد بزرگ آن روزگار «تقی خان شایگان» شروع نمود و ساز ویولون را انتخاب کرد و در این راه به سرعت پیشرفت کرد. تقی خان شایگان از استادان بزرگ ویولون در زمان خود بود و به قول صاحب هنران این فن، اگر به مرگ زودرس دچار نمی‌شد، بی‌شک یکی از بزرگان تاریخ موسیقی ایران

## کتابخانه

**هگمتانه**، **گروه فرهنگ و ادب**، «**من پناهنده نیستم**» حکایتی از مصیبت ملت فلسطین و اجبار آنان برای خروج از سرزمین و وطنشان و زندگی تلخ در نقاط مختلف جهان به امید بازگشت به وطن.

به گزارش خبرنگار فرهنگی باشگاه خبرنگاران پویا، رمان «من پناهنده نیستم»، زندگی یک خانواده فلسطینی اهل منظره - روستایی ساحلی است که در ۴۹ کیلومتری حیفا در جنوب فلسطین واقع شده - را به تصویر می‌کشد که به علت حمله اسرائیلی‌ها از سرزمین خود کوچ می‌کنند. شخصیت اصلی و قهرمان داستان زنی به نام رقیه است. او به اصرار پسرش حسن داستان زندگی خود را تعریف می‌کند.

این رمان روایت پناهندگی فلسطینیان و جنگ داخلی لبنان و حمله اسرائیل به این کشور است، رنج هجرت و قتل عام و وقایع بزرگی که بعد از پیمان اوسلو بر سر فلسطین آمده است؛ همه این روایات چنان با جزئیات دقیقی بیان می‌شود که یکی از مهمترین رمان‌های مربوط به واقعه ۱۹۴۸ فلسطین

## ژرفای هنر

نویس‌ت‌م «حکایتی از مصیبت ملت فلسطین و اجبار آنان برای خروج از سرزمین و وطنشان و زندگی تلخ در نقاط مختلف جهان به امید بازگشت به وطن.

هگمتانه، گروه فرهنگ و ادب: جامعه ایرانی با شعر آمیخته است و این خیلی نقطه قوت بزرگی است. جامعه عرب هم همین‌چور است؛ عربها هم همین‌چورند؛ آنها هم با شعر خیلی انس دارند و آمیخته‌اند. شما ملاحظه کنید در همین قضایای انقلاب، در این سالهای گوناگون انقلاب، شعارهایی که غالباً هم موزون است و صورت شعری دارد، خودش از دل جمعیت جوشیده؛ یعنی اصلاً هیچ‌کس هم نمیداند چه کسی تولید کرده این شعر را، اما از دل جمعیت یک نفر گفته، طبع دیگران

هر فرصت یادی از آن لحظات می‌کرد.

بنا به تأیید صاحب‌نظران عارف قزوینی مبتکر تصنیف‌سازی و ترانه‌پردازی است. مرحوم صفایی مالایری نوشته است: «ترانه‌سازی هم که گفتیم در ایران عارف مخترع و مبتکر آن بوده، از شعب مهم شعر و شاعری است. در کشور ما قبل از ظهور عارف ترانه‌سرایی سابقه نداشت. پس در ایران مخترع این صنعت ادبی عارف بود که مقام سرود و ترانه را در حیات خود به جایی رسانید» (مردان موسیقی، همان) بی‌شک زنده‌یاد «عبدالله طالع همدانی» هم در این شیوه جایگاهی دارد زیرا او مانند عارف موسیقی و کلام و همچنین کلام و موسیقی را یکجا درک می‌نمود و آنها را با هم همسو و هم‌آهنگ می‌کرد. طالع هنگام تحصیل و تجسرت در تهران و در ارتباط با هنرمندان بزرگ آن روز به «رادبو تهران» راه یافت. آن روزها «رادبو تهران» که بعداً «رادبو ایران» نامیده شد پذیرای هنرمندان بود. طالع مدتی در «رادبو ایران» خوش درخشید و هنوز هم

## «من پناهنده نیستم»؛ داستانی که در آن نفس تاریخ به شماره می‌افتد

در ادبیات روایی عرب ر رقم می‌زنسد. حکایتی از مصیبت ملت فلسطینی و اجبار انسان برای خروج از سرزمین و وطنشان و زندگی تلخ در نقاط مختلف جهان به امید بازگشت به وطن.

رضوی عاشور در این اثر چنان از فلسطین و سنت‌های آن می‌نویسد، که گویی در آنجا زندگی می‌کنسد. البته این یکی از ویژگی‌های مثبت و از ویژگی‌های سبک نوشتاری عاشور است که در دیگر آثار او نیز به خوبی قابل مشاهده است. پرداختن به جزئیات زندگی، سنت‌ها و آیین‌ها، دغدغه‌های یک فلسطینی به صورت پیوسته در کتاب دیده می‌شود؛ هرچند ممکن است گاه برای مخاطب ملال‌انگیز شود. رقیه، شخصیت اصلی این داستان، قسه زندگی خانواده‌اش را از کودکی تا بزرگسالی روایت می‌کند. «رقیه» در واقع نمادی است از تمام جوانان فلسطینی که دوره تاریخی‌سختی را پشت سر می‌گذارند. «من پناهنده نیستم» نماینده‌ای است برای معرفی میراث فلسطین از عادات و سبک زندگی گرفته تا آهنگ‌ها و موسیقی.

می‌توان کردن بلای آسمانی را؟

به طفلی سایه مهر پدر مادر، شبانم بود؛ از بعد این دو دانستم کنون قدر ششانی را
منم طلووس رنگین‌بر که در حین خودارایی/ برد زشتی پایم جلوه برگسترانی را

به جان افکنده درد بی‌کسی فریاد/ خدایا با که گویم درد بی‌درمان جانی را

کسی آگه شود از شور و سوز این غزل طالع/ که چون تو بی‌زبان داند زبان بی‌زبانی را

«طالع همدانی برای بزرگان آواز ایران بسیار ترانه آهنگ ساخته است. هنر او از زبان ابوالحسین اقبال آذر و مرحوم داریوش رفیعی و دیگران بیسار شنیده شده است. او هرگاه فرصت به دست می‌آورد کنسرتی در همدان برگزار می‌کرد و درآمد آن را یک‌جا به مستمندان، دانش‌آموزان و دانشجویان نیازمند می‌بخشید. او هرگز از هنر خود ارتزاق نکرد و ترجیح داد که در مغازه خانوادگی امرار معاش نماید. درآمد

اشاره شد که عبدالله طالع همدانی ضمن جمع‌آوری واژه‌های معمولی راجی/رازای گاهی دوبیتی‌هایی به این لجهه می‌سرود که در برخی از آنها در جراید چاپ شد. برای نمونه می‌توان به شعر زیر اشاره کرد:
آگ، منم گیجه، دات‌رم، از، اول / به دنیا، پای، بختَم، وا، نیم، شل
آزو، که، مَن، ندران، کرباس، تن / پس، از، مَرتَن، چه فایده، دارو، مخمل

برگردان به گویش امروز:

اگر کسی را داشتَم از اول/ به دنیا پای بختَم نود شل
امروز که من ندارم کرباس تن/ پس از از مردم چه فایده‌ای دارد مخمل (دکتر مصطفوی، همان)

پس از مرگ عبدا... طالع جراید به ویژه نشریات هنری، مطالبی درخ صوص او نوشتند. وی در آبان ماه ۱۳۸۲ در تهران درگذشت. یادش گرامی.

✽ در این نوشتار از کتاب ماوشان تألیف علی جهانپور بهره گرفته شده است.

## من پناهنده نیستم به شماره می‌افتد



من پناهنده نیستم، رمانی از سوزی عاشور

من پناهنده نیستم، رمانی از سوزی عاشور

نثر نویسنده از سوی دیگر آشنایی او با جزئیات زندگی و دغدغه‌های «رقیه» به عنوان یک جوان فلسطینی کتاب را برای علاقه‌مندان به ادبیات عرب خواندنی کرده است؛ به طوری که مخاطب می‌تواند با رنج «رقیه»ها در پیکار با سرنوشت، آوارگی و دلتنگی همدل باشد. روایتی که در آن گاه نفس تاریخ نیز به شماره می‌افتد. «من پناهنده نیستم» داستانی است از رنج و عشق و اشارهای است به زندگی هزاران نفر که نادیده گرفته شدند.

رضوی عاشور (۱۹۶۴ – ۲۰۱۴) داستان‌نویس و منتقد ادبی و استاد دانشگاه مصری است. برخی آثار این نویسنده به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی و اندونزیایی ترجمه شده و چند کتاب او برنده جایزه‌های متعدد ادبیی از جمله بهترین کتاب نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره و جایزه ادبی کنستانتین کوافی شده‌اند. او مسادر تمپم برغوثی (شاعر) و همسر مرید برغوثی، ادیب و شاعر فلسطینی است. او در سال ۲۰۱۴، در سن ۶۸ سالگی و در پی بیماری در قاهره درگذشت.

نقطه قوّتی بزرگ

## جامعه ایرانی با شعر آمیخته است

شاعرانه است. لحن هم در این بیت شبیه لحن بیدل است، امنتأ! نمیدانم این شعر مال چه کسی است:

به صد دام آرמידم، دامن از چندین قفس چیدم
ندیدم جز به بال نیستی پرواز آزادی(بیدل دهلوی)
چقدر قشنگ است! ندیدم جز به بال نیستی پرواز آزادی.
خب این روحیهی مردم ما است؛ در اعلان فاتحه‌شان هم شما می‌بینید یک شعر به این قشنگی را پیدا میکنند او می‌گردد.ا. البته حالا شماها که راایانه و مانند آن سروکار دارید، میتوانید شاعرش را هم پیدا

من پناهنده نیستم، رمانی از سوزی عاشور

۳۰۰ صفحه دارد و تصورم این است که توسط نشر معارف برای نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت‌ماه در دسترس مخاطبان قرار بگیرد.

### خلوت با کتاب

## فلسفه فلسفه

**هگمتانه**، **گروه فرهنگ و ادب**: فلسفه

به معنای **مابعدالطبیعه**، **علمی است که به موجود از آن جهت که موجود است، می پردازد و خواهان دستیابی به حقایق موجودات است.** برای کشف حقایق مرتبط

با علم باید از روش مناسب، که به اکتشاف بینجامد، بهره برد. روش علم فلسفه برای اکتشاف حقایق فلسفی، که حقایقی از منظر موجودیت بدون تقیید به هر امر دیگرند، روش عقلی برهانی است.

دانش فلسفه یا مابعدالطبیعه با دسته‌ای از پرسش‌ها در باب حقیقت خود روبروست، که امروزه از آن با عنوان «فلسفه فلسفه» یاد می‌کنند. فلسفه فلسفه به مسائل درونی دانش فلسفه و بررسی صدق و کذب گزاره‌های آن نمی‌پردازد، بلکه به خود فلسفه بسنان امری عینی توجه می‌کند. به بیان دیگر، فلسفه فلسفه به خود دانش فلسفه، به صورت درجه دوم و فرامسأله‌ای آن نظر می‌کند و مباحثی مانند پرسش‌های رایج را به صورت پیش‌مسأله‌ای درباره فلسفه فاروی می‌نهد.

مباحث فلسفه فلسفه را از منظر می‌توان به دو دسته مسائل «روشی و معرفت‌شناختی» و مسائل «محتوایی» تقسیم کرد. مباحث روشی و معرفت‌شناختی، ناظر به آن دسته نکات و تأملاتی اند که شیوه بررسی و کاوش علم فلسفه و مبانی اساسی معرفت‌شناختی آن را بررسی می‌کنند، همچون روش خاص علم فلسفه، روش عام قابل استفاده در فلسفه و دسته‌ای از مباحث روشی مطلق مرتبط با مسائل فلسفه فلسفه که در همه علوم برهانی و به ویژه در فلسفه به کار می‌روند. نمونه‌هایی از مباحث محتوایی عبارتند از: موضوع فلسفه، تعریف فلسفه، امکان فلسفه و ضرورت آن، مبادی آغازین فلسفه، کارکردهای فلسفه، گستره دانش فلسفه و مسائل آن و نسبت فلسفه با علوم دیگر.

بخشی از کتاب «تأملاتی در فلسفه فلسفه اسلامی» اثر حجت الاسلام والمسلمین سید پداله بزدان پناه -انتشارات کتاب فردا

<sup>[1]</sup> 2

<sup>[1]</sup> 2